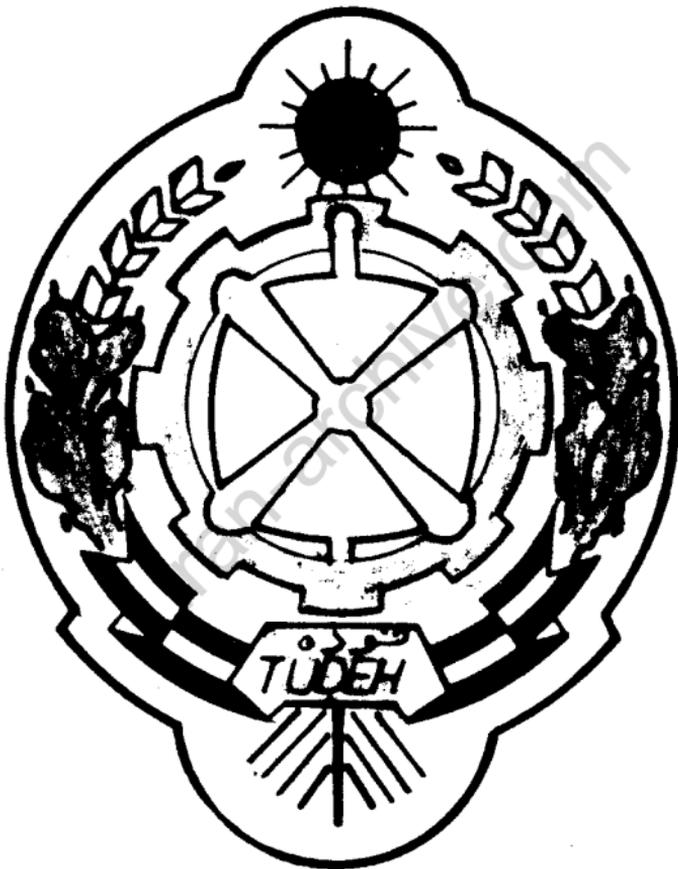


# قرآنه های رزم و انقلاب

(مجموعه سرودها)



از انتشارات حزب توده ایران

۱۳۴۰

# سپاس

( به مجاهد قهرمان پرویز حکمت جو )

سپاس بر تو ، که پولاد بی خلل بودی  
روان چو کوره خورشید شعله ور کردی؛  
بکارنامه ایام قصه ات باقی است  
حدیث عمر اگر چند مختصر کردی.

سپاس بر تو ، که در بندهای ابلیسی  
فرشته بودی و در دام دیو نقتادی ،  
به بازجوئی، در دادگاه ، در زندان  
الی دقیقه آخر ، چو کوه استادی .

چگونه خائن دژخوی راند در بندت  
چگونه دشنه زد از پشت سر، خبر دارم؛  
چگونه دشمن دژخیم ساخت بیمار  
چه رنجها که بجان زد شرر، خبر دارم،

در آن دیار که روز است تیره و غمگین  
 مقام راحتی و جای شادکامی نیست ،  
 بخون نویسد هر روز شاه نام دگر  
 سیاهکاری این دیو را تمامی نیست .



حساب خویش نکر دی بکارزار بزرگ  
 تمام عمر چو سر باز جان بکف رفتی ،  
 ولی تو در صف یاران خلق جاویدی  
 اگر چه با تن رنجور خود ز صف رفتی .



براه حزب چه پیگیر و بی توقع و مرد  
 بقول خویش چه پابند بوده ای ، پرویز ،  
 نمونه ایست حیات تو بهر نسل جوان  
 ایا مجاهد بی باک توده ای ، پرویز !

«اترناسیونال»

برخیز ، ای داغ لعنت خورده  
دنیای فقر و بندگی !  
جوشیده خاطر ما را برده  
به جنگ مرگ و زندگی .  
باید از ریشه بر اندازیم  
کهنه جهان جور و بند  
آنکه نوین جهانی سازیم ،  
هیچ بودگان هر چیز گردند .

روز قطعی جدال است  
آخرین رزم ما .  
اترناسیونال است  
نجات انسانها .

بر ما نبخشند فتح و شادی  
خدا ، نه شاه ، نه قهرمان  
با دست خود گیریم آزادی  
در پیکارهای بی امان  
تا ظلم را از عالم برویم

— ۴ —  
نعمت خود آریم بدست  
دمیم آتش را و بکوییم  
تا وقتی که آهن گرم است .

روز قطعی جدال است  
آخرین رزم ما  
اترناسیونال است  
نجات انسانها .

تنها ما توده جهانی  
اردوی یشمار کار ،  
داریم حقوق جهانیانی  
نه که خونخوران غدار  
غرد وقتی رعد مرگه آور  
بر رهزنان و دژخیمان  
در این عالم بر ما سراسر  
تا بد خورشید نور افشان

روز قطعی جدال است  
آخرین رزم ما  
اترناسیونال است  
نجات انسانها .

اشعار از : ذره

بیدارم بی لید طلوع  
سدا شامه غنچه شامه که شامه  
که شامه ، که شامه  
توده رحمت و آینه تیره

ز آن تو دور از حمله بر آوردت ما را  
این تضرع جواب بدو بدهم گرفته موهوم ،  
باز چشم بگشایم و انگوش بيشنو ما بجا رنجا ،  
بانگ شیور دنیای مظلوم  
بانگ شیور دنیای مظلوم

کهنه دنیای ستم ، لایق انهدام است ، انتقام از آن از آن از آن  
این پارازیت ها - دور از اجتماع ما - این سیاسی است بجا  
کهنه دنیای ستم ، لایق انهدام است انتقام از آن از آن از آن .

نی شان و نی وزیران  
پارلمان بهر کس دادرس نیست  
جز فداکاری و همت  
حامی رنجبر هیچکس نیست  
حامی رنجبر هیچکس نیست .

کهنه دنیای ستم ، لایق انهدام است ، انتقام از آن از آن از آن  
این پارازیت ها - دور از اجتماع ما - این سیاسی است بجا  
کهنه دنیای ستم ، لایق انهدام است ، انتقام از آن از آن از آن

جمله دنیا گو بدانند  
جنگ ما جنگ بر ضد جنگ است  
کوشش ما ، جوشش ما  
نزیر ثروت و نام و تنگ است .

کهنه دنیای ستم ، لایق انهدام است ، انتقام از آن از آن از آن  
این پارازیت ها - دور از اجتماع ما - این سیاسی است بجا  
کهنه دنیای ستم ، لایق انهدام است ، انتقام از آن از آن از آن .

iran-archive.com

ترجمه از: دکتر تقی ارانی

## سرود آهنگران

ما آهنگران

با روحی جوان

میسازیم کلید های بخت

میبریم بالا

این پتک گران

میگوییم آنرا بر سندان سخت ، سخت ، سخت

و پس از هر يك

ضربت سنگین

میگسلد زنجیر رهیم از دام

در همه شهر ها

بر روی زمین

توده زنجیر کند قیام ، قیام ، قیام . (دوبار)

اشعار: احسان طبری

آهنگ: جمشید کشاورز

### سرود اول خیزی زمان

دلتا از غم گشته خونفشان  
 خیزید از جا ای شتمکشان  
 باید کافر در نبرد ما  
 ظالم گردد محو و بی نشان  
 ندا رسد بما کتون ز هر کران  
 پیا، برادران، بجنگ دشمنان  
 ز جا بچاره گر نخیزی این زمان  
 رها کجا شوی ز جور ناکسان؟  
 مرگ و فقر و رنج و ناداشی چشیده  
 بهر چه نصیب خود دانی  
 با چنین غم و پریشانی  
 خامش از چه رو چنین مانی؟

ندا رسد کتون بما ز هر کران  
 پیا، برادران، بجنگ دشمنان  
 ز جا بچاره گر نخیزی این زمان  
 رها کجا شوی ز جنگ ناکسان؟

تا کی مانند بسته ستم  
 تا کی بودن برده دردم ؟  
 باید اکنون توده اسیر  
 با ما گردد یار و همقدم .

نخچه  
 ندا رسد بما کنون ز هر کران  
 پیا ، برادران ، بچنگ دشمنان  
 ز جا بچاره گر نخیزی این زمان  
 رها کجا شوی ز چنگ ناکسان ؟

مرکب و فقر و رنج و نادانی

بهر چه نسیب خود دانی  
 با چنین غم و پریشانی  
 خامش از چه رو چنین مانی ؟  
 ندا رسد کنون بمانند هر کران  
 پیا ، برادران ، بچنگ دشمنان  
 ز جا بچاره گر نخیزی این زمان  
 رها کجا شوی ز چنگ ناکسان ؟

نخچه

بهر چه نسیب خود دانی

بهر چه نسیب خود دانی  
 با چنین غم و پریشانی  
 خامش از چه رو چنین مانی ؟  
 ندا رسد کنون بمانند هر کران

اشعار از : احسان طبری  
آهنگ از : جمشید کشاورز

## سرود دوم خزبی

میزند کین صدا  
حزب آهنین ما  
با ثبات و متحد  
ای ستمکشان پیا !

سخت و متحد پیا بضد این ستمگری ز جا  
با تمامی قوا بر غم این اساس ناروا  
کوششی بود سزا که جسم و جان و راحت شما  
میشود همه فدا بدست اقتدار اغیا ،

میشود همه فدا  
جسم و راحت شما  
زیر بار اغیا  
ای ستمکشان پیا ، بر پیا !

راه اگر چه پر خطر  
خشم اگر چه جبهه گر  
نوده بیگمان شود  
کامیاب و با ظفر .

یا رها ز بندگی زمانی شادمان و کامران  
یا پیاپی زندگی نهاده خانمان و جسم و جان  
شرم و سرفکندگی نباشد چاره ستمکشان  
با چنین درندگی ستمگر کی دهد بیا امان

میشود همه فدا  
جسم و راحت و شما  
زیر بار اغنیا  
ای ستمکشان پیا، بر پا !

اشعار از: احسان طبری

آهنگ از: محمود پرویز

## سرود سوم خربی

جنبد زجا چونان سیلی خرموشان  
اردوی ما زحمتکشان  
باید پدید آید از کوشمان  
ایرانی آزاد ایرانی آباد  
ای نیروی توده بخت و محکم باد  
ای توده ا این زمان دوران آخرین پیکار است  
با فتح توده ها اساس انسانیت بر قرار است .

سرتاسر گیتی از جنبش خلق  
رستاخیزی اینک برپاست  
این عصر ما عصر طوفان دنیاست  
در دنیای نو خاموشی بیجاست  
با عزمی محکم باید بپاخاست  
ای توده ا این زمان دوران آخرین پیکار است  
با فتح توده ها اساس انسانیت بر قرار است .

کاخ ستمکاران تا ویران گردد  
صبح امید تابان گردد  
خورشید آزادی فروزان گردد  
بر روی عالم پرتو فشانند  
تا ظلمت غم باقی نماند

ای توده ا این زمان دوران آخرین پیکار است  
با فتح توده ها اساس انسانیت بر قرار است .

## سرود چهارم حزبی

بر شکن هر سد اگر خواهی آزادی  
 بر فکن از پی نظام استبدادی  
 از تلاش ما زعفر یابند داد  
 کشور ایران رهد از بیداد

حزب ما توده را سازد پیروز  
 میرسد فردائی از پی امروز  
 از رزم است هر خلقی شد رسته ز بند  
 از رزم است هر خلقی قدرتمند

اختر رزم ارانی تا تابنده است  
 شیوه روزبه سزای هر رزمنده است  
 مهر آزادی زاه و رسم ماست  
 یاری مردم بخان پناه ماست

حزب ما توده را سازد پیروز  
 میرسد فردائی از پی امروز

کار و دانش را بتخت زر بنشانیم  
 دیو استبداد ز خانه بیرون رانیم  
 توده زحمت بهره ور نکوست  
 صاحب اصلی خاک میهن اوست

حزب ما توده را سازد پیروز  
 میرسد فردائی از پی امروز  
 از رزم است گهر خلقی شد رسته ز بند  
 از رزم است هر خلقی قدرتمند .

iran-archive.com

ترجمه از : لاهوتی  
آهنگ از : لو آشانین

## سرود جوانان دموکرات جهان

فرزندان هر ملت ، ما بامید صلح زنده ایم ،  
 این سالهای پر شدت بهر خوشبختی کوشنده ایم  
 در هر اقلیم دنیا ،  
 در اقیانوس و دریا ،  
 هرکس جوان است با ما دهد دست با ما بصف دوستان .

نعمه دوستی سراپد هر جوان ، هر جوان ، هر جوان  
 این سرود ما را کشتن کی توان ، کی توان ، کی توان ا  
 با جوانها هم آهنگ این را خواند دنیا :  
 این سرود ما را کشتن کی توان ، کی توان ، کی توان ا

در یاد است روز میدان نام دوستان بدل شد رقم  
 خون پاک شهیدان دوستی ما را بسته بهم  
 ای انسان شرفمند ،  
 پیش آ ، با ما به پیوند  
 بخت ملتها ، نورانی فردا در دست ماست ، یاران

نغمه دوستی سراید هر جوان ، هر جوان ، هر جوان  
 این سرود ما را کشتن کی توان ، کی توان ، کی توان !  
 با جوانها هم آهنگ این را خواند دنیا :  
 این سرود ما را کشتن کی توان ، کی توان ، کی توان !

برنا دل ما می‌تازیم با سوگند مقدس به پیش  
 پرچم بالا افزایش بهر حق سزاوار خویش  
 روز تاریک بدخواه  
 باز بهر صلح کند چاه  
 خیز ای جوانمرد ، همراه ما گرد ، ضد شرار جنگ !

نغمه دوستی سراید هر جوان ، هر جوان ، هر جوان  
 این سرود ما را کشتن کی توان ، کی توان ، کی توان !  
 با جوانها هم آهنگ این را خواند دنیا :  
 این سرود ما را کشتن کی توان ، کی توان ، کی توان !